

ترجمه :

بنام خداوند بخشنده مهربان

۱- این سوره‌ای است که ما آن را فرو فرستادیم و واجب نمودیم، و در آن آیات بینات نازل کردیم، شاید شما متذکر شوید.

۲- زن و مرد زناکار را هر یک، صد تازیانه بزنید، و هرگز در دین خدا رافت (و محبت کاذب) شما را نگیرد اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان مجازات آنها را مشاهده کنند.

۳- مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد، و این کار بر مؤمنان تحریم شده است.

تفسیر:

حد «زانی» و «زانیه»

می‌دانیم نام این سوره، سوره نور است به خاطر آیه نور که یکی از چشمگیرترین آیات سوره است، ولی گذشته از این، محتوای سوره نیز از نورانیت خاصی برخوردار است، به انسانها، به خانواده‌ها، به زن و مرد نور عفت و پاکدامنی می‌بخشد، به زبانها و سخنها نورانیت تقوی و راستی می‌دهد، به دلها و جانها نور توحید و خدا پرستی و ایمان به معاد و تسلیم در برابر دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌دهد.

نخستین آیه این سوره در حقیقت اشاره اجمالی به مجموع بحثهای سوره دارد و می‌گوید: «این سوره‌ای است که ما آن را فرو فرستادیم و واجب نمودیم، و در آن آیات بینات نازل کردیم شاید شما متذکر شوید» (سوره انزلناها و فرضاها وانزلنا فیها آیات بینات لعلکم تذکرون).

«سوره» از ماده «سور» به معنی ارتفاع و بلندی بنا است، سپس به

دیوارهای بلندی که در گذشته اطراف شهرها برای حفظ از هجوم دشمنان می‌کشیدند، سوراطلاق کرده‌اند، و از آنجا که این دیوارها شهر را از منطقه بیرون جدا می‌کرد،

تدریجاً این کلمه به قطعه و بخش از چیزی - از جمله قطعه و بخشی از قرآن که از بقیه جدا شده است - اطلاق گردیده.

بعضی از ارباب لغت نیز گفته‌اند که «سوره» به بناهای زیبا و بلند و برافراشته گفته می‌شود، و به بخشهای مختلف از یک بنای بزرگ نیز سوره می‌گویند، به همین تناسب به بخشهای مختلف قرآن که از یکدیگر جدا است سوره اطلاق شده است.

به هر حال این تعبیر، اشاره به این حقیقت است که تمام احکام و مطالب این سوره اعم از عقائد و آداب و دستورات همه دارای اهمیت فوق العاده‌ای است زیرا همه از طرف خداوند نازل شده است.

مخصوصاً جمله «فرضناها» (آن را فرض کردیم) با توجه به معنی «فرض» که به معنی قطع می‌باشد نیز این معنی را تاءکید می‌کند.

تعبیر به «آیات بینات» ممکن است اشاره به حقایقی از توحید و مبدء و معاد و نبوت باشد که در آن مطرح شده، در برابر «فرضنا» که اشاره به احکام و دستوراتی است که در این سوره، بیان گردیده، و به عبارت دیگر یکی اشاره به عقائد است و دیگری اشاره به «احکام».

این احتمال نیز وجود دارد که منظور از «آیات بینات»، دلائلی است که برای احکام مفروض در این سوره آمده است.

جمله «لعلکم تذکرون» (شاید شما متذکر شوید) بار دیگر این واقعیت را در نظرها مجسم می‌کند که ریشه همه اعتقادات راستین و برنامه‌های عملی اسلام درون فطرت انسانها نهفته است، و بر این اساس، توضیح آنها یکنوع «تذکر و یاد آوری» محسوب می‌شود.

بعد از این بیان کلی، به نخستین دستور قاطع و محکم پیرامون زن و مرد زناکار پرداخته می‌گوید: «زن و مرد زناکار را هر یک صد تازیانه بزنید» (الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة).

و برای تاءکید بیشتر اضافه می‌کند «هرگز نباید در اجرای این حد الهی گرفتار رفت (و محبت کاذب و دروغین) شوید، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید» (و لاتأخذکم بهما رافة فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم

الآخر).

و سر انجام در پایان این آیه به نکته دیگری برای تکمیل نتیجه گیری از این مجازات الهی اشاره کرده می گوید: «و باید گروهی از مؤمنان حضور داشته باشند و مجازات آن دو را مشاهده کنند» (و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنین).

در واقع این آیه مشتمل بر سه دستور است:

۱ - حکم مجازات زنان و مردان آلوده به فحشاء (منظور از زنا آمیزش جنسی مرد و زن غیر همسر و بدون مجوز شرعی است).

۲ - تاءکید بر این که در اجرای این حد الهی گرفتار محبتها و احساسات بی مورد نشوید، احساسات و محبتی که نتیجه ای جز فساد و آلودگی اجتماع ندارد منتها برای خنثی کردن انگیزه های این گونه احساسات مساءله ایمان به خدا و روز جزا راپیش می کشد چرا که نشانه ایمان به مبدء و معاد، تسلیم مطلق در برابر فرمان او است، ایمان به خداوند عالم حکیم سبب می شود که انسان بداند هر حکمی فلسفه و حکمتی دارد و بی دلیل تشریع نشده، و ایمان به معاد سبب می شود که انسان در برابر تخلفها احساس مسئولیت کند. در اینجا حدیث جالبی (از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که توجه به آن لازم است: یؤتی بوال نقص من الحد سوطا فیقال له لم فعلت ذاک؟ فیقول: رحمة لعبادک، فیقال له انت ارحم بهم منی؟! فیؤمر به الی النار، و یؤتی بمن زاد سوطا، فیقال له لم فعلت ذلک؟ فیقول لینتهوا عن معاصیک! فیقول: انت احکم به منی؟! فیؤمر به الی النار! «روز قیامت بعضی از زمامداران را که یک

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۰

تازیانه از حد الهی کم کرده اند در صحنه محشر می آورند و به او گفته می شود چرا چنین کردی؟ می گوید: برای رحمت به بندگان تو! پروردگار به او می گوید: آیا تو نسبت به آنها از من مهربانتر بودی؟! و دستور داده می شود او را به آتش بیفکنید! دیگری را می آورند که یک تازیانه بر حد الهی افزوده، به او گفته می شود: چرا چنین کردی؟ در پاسخ می گوید: تا بندگان از معصیت تو خودداری کنند! خداوند می فرماید: تو از من آگاهتر و حکیمتر بودی؟! سپس دستور داده می شود او را هم به آتش دوزخ ببرند».

۳- دستور حضور جمعی از مؤمنان در صحنه مجازات است چرا که هدف تنه‌این نیست که گنه‌کار عبرت گیرد، بلکه هدف آنست که مجازات او سبب عبرت دیگران هم شود، و به تعبیر دیگر: با توجه به بافت زندگی اجتماعی بشر، آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد ثابت نمی‌ماند، و به جامعه سرایت می‌کند، برای پاکسازی باید همانگونه که گناه بر ملا شده مجازات نیز بر ملا گردد.

و به این ترتیب اساس پاسخ این سؤال که چرا اسلام اجازه می‌دهد آبروی انسانی در جمع بریزد روشن می‌شود، زیرا مادام که گناه آشکار نگردیده و به دادگاه اسلامی کشیده نشده است «خداوند ستار العیوب» راضی به پرده دری نیست اما بعد از ثبوت جرم و بیرون افتادن راز از پرده استتار، و آلوده شدن جامعه و کم شدن اهمیت گناه، باید به گونه‌ای مجازات صورت گیرد که اثرات منفی گناه‌خشی شود و عظمت گناه به حال نخستین باز گردد. اصولاً در یک جامعه سالم باید «تخلف از قانون» با اهمیت تلقی شود، مسلماً اگر تخلف تکرار گردد آن اهمیت شکسته می‌شود و تجدید آن تنها با علنی شدن کیفر متخلفان است. این واقعیت را نیز از نظر نباید دور داشت که بسیاری از مردم برای

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۱

حیثیت و آبروی خود بیش از مسأله تنبیهات بدنی اهمیت قائلند، و همین علنی شدن کیفر ترمز نیرومندی بر روی هوسهای سرکش آنها است. از آنجا که در آیه مورد بحث سخن از مجازات زن و مرد زناکار در میان است، به همین مناسبت سؤالی پیش می‌آید که ازدواج مشروع با چنین زنان چه حکمی دارد؟

آیه سوم این سؤال را چنین پاسخ می‌گوید: «مرد زناکار جز با زن آلوده دامان یا مشرک و بی ایمان ازدواج نمی‌کند، همانگونه که زن آلوده دامان جز با مرد زانی یا مشرک پیمان همسری نمی‌بندد» (الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکة و الزانیة لا ینکحها الا زان او مشرک).

«و این کار بر مؤمنان تحریم شده است» (و حرم ذلک علی المؤمنین). در اینکه این آیه بیان یک حکم الهی است، یا خبر از یک قضیه خارجی و طبیعی؟ در میان مفسران گفتگو است:

بعضی معتقدند آیه تنها یک واقعیت عینی را بیان می کند که آلودگان همیشه دنبال آلودگان می روند، و همجنس با همجنس پرواز می کند، اما افراد پاک و باایمان هرگز تن به چنین آلودگیها و انتخاب همسران آلوده نمی دهند، و آن را برخویشتن تحریم می کنند، شاهد این تفسیر همان ظاهر آیه است که به صورت «جمله خبریه» بیان شده.

ولی گروه دیگر معتقدند که این جمله بیان یک حکم شرعی و الهی است مخصوصا می خواهد مسلمانان را از ازدواج با افراد زناکار باز دارد، چرا که بیماریهای اخلاقی همچون بیماریهای جسمی غالبا واگیردار است. و از این گذشته این کار یکنوع ننگ و عار برای افراد پاک محسوب می شود.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۲

بعلاوه فرزندی که در چنین دامنهای لکه دار یا مشکوکی پرورش می یابند سرنوشت مبهمی دارند.

روی این جهات اسلام این کار را منع کرده است.

شاهد این تفسیر جمله و حرم ذلک علی المؤمنین است که در آن تعبیر به تحریم شده.

و شاهد دیگر روایات فراوانی است که از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و سایر پیشوایان معصوم (علیهما السلام) در این زمینه به ما رسیده و آن را به صورت یک حکم تفسیر کرده اند.

حتی بعضی از مفسران بزرگ در شأن نزول آیه چنین نوشته اند: «مردی از مسلمانان از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه خواست که با «اممیهزول» - زنی که در عصر جاهلیت به آلودگی معروف بود و حتی پرچمی برای شناسائی بر در خانه خود نصب کرده بود! - ازدواج کند، آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ گفت».

در حدیث دیگری نیز از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: «این آیه در مورد مردان و زنانی است که در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آلوده زنا بودند، خداوند مسلمانان را از ازدواج با آنها نهی کرد، و هم اکنون نیز مردم مشمول این حکمند هر کس مشهور به این عمل شود، و حد الهی به او جاری گردد، با او ازدواج نکنید تا توبه اش ثابت شود».

این نکته نیز لازم به یاد آوری است که بسیاری از احکام به صورت جمله خبریه بیان شده است، و لازم نیست همیشه احکام الهی به صورت جمله «امر» و «نهی» باشد.

ضمناً باید توجه داشت که عطف «مشرکان» بر «زانیان» در واقع برای

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۳

بیان اهمیت مطلب است، یعنی گناه «زنا» همطراز گناه «شرک» است، چرا که در بعضی از روایات نیز وارد شده که «شخص زناکار در آن لحظه ای که مرتکب این عمل می شود از ایمان باز داشته می شود» (قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)... لا یزن الزانی حین یزنی و هو مؤمن و لا یسرق السارق حین یسرق و هو مؤمن فانه اذا فعل ذلک خلع عنه الایمان کخلع القمیص): «شخص زناکار به هنگامی که مرتکب این عمل می شود، مؤمن نیست، و همچنین سارق به هنگامی که مشغول دزدی است ایمان ندارد، چرا که به هنگام ارتکاب این عمل، ایمان را از او بیرون می آورند همانگونه که پیراهن را از تن»!.

نکته ها:

۱ - مواردی که حکم زنا اعدام است

آنچه در آیه فوق در مورد حد زنا آمده است یک حکم عمومی است که موارد استثنائی هم دارد از جمله زنا ی محصن و محصنه است که حد آن با تحقق شرائط اعدام است.

منظور از «محصن» مردی است که همسری دارد و همسرش در اختیار او است، و «محصنه» به زنی می گویند که شوهر دارد و شوهرش نزد او است، هرگاه کسی با داشتن چنین راه مشروعی باز هم مرتکب زنا بشود حد او اعدام می باشد، شرائط و کیفیت اجرای این حکم در کتب فقهی مشروحا آمده است.

و نیز زنا ی با محارم حکم آن اعدام است.

همچنین زنا ی به عنف و جبر که حکم آن نیز همین است.

البته در بعضی از موارد علاوه بر مسأله تازیانه، تبعید و پاره ای دیگر از

مجازات‌ها نیز وجود دارد که شرح آن را باید در کتب فقهیه خواند.

۲- چرا زانیه مقدم ذکر شده؟

بدون شک این عمل منافی عفت از همه کس قبیح است، ولی از زنان زشت‌تر و قبیح‌تر است، چرا که آنها از حجب و حیای بیشتری برخوردارند، و شکستن آن دلیل بر تمرد شدیدتری است.

از این گذشته عواقب شوم این امر گرچه دامنگیر هر دو می‌شود اما در مورد زنان، عواقب شومش بیشتر است.

این احتمال نیز وجود دارد که سرچشمه و سوسه این کار بیشتر از ناحیه آنها صورت می‌گیرد و در بسیاری از موارد عامل اصلی محسوب می‌شوند. مجموع این جهات سبب شده که زن آلوده بر مرد آلوده در آیه فوق مقدم داشته شده است.

ولی زنان و مردان پاکدامن و با ایمان از همه این مسائل برکنارند.

۳- مجازات در حضور جمع چرا؟

آیه فوق که به صورت امر است وجوب حضور گروهی از مؤمنان را به هنگام اجرای حد زنا می‌رساند، ولی ناگفته پیداست که قرآن شرط نکرده حتما در ملاء عام این حکم اجرا شود، بلکه بر حسب شرائط و مصالح متفاوت می‌گردد حضور سه نفر و بیشتر کافی است، مهم آن است که قاضی تشخیص دهد حضور چه مقدار از مردم لازم است.

فلسفه این حکم نیز روشن است، زیرا همانگونه که گفتیم اولاً درس

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۵

عبرتی برای همگان است و سبب پاکسازی اجتماع ثانیاً شرمساری مجرم مانع ارتکاب جرم در آینده خواهد شد.

ثالثاً هر گاه اجرای حد در حضور جمعی انجام شود قاضی و مجریان حد متهم به سازش یا اخذ رشوه یا تبعیض و یا شکنجه دادن و مانند آن نخواهند شد. رابعاً حضور جمعیت مانع از خودکامگی و افراط و زیاده روی در اجرای حد می‌گردد.

خامساً ممکن است مجرم بعد از اجرای حد به ساختن شایعات و اتهاماتی در مورد قاضی و مجری حد بپردازد که حضور جمعیت موضع او را روشن ساخته و جلو فعالیت‌های تخریبی او را در آینده می‌گیرید و فوائد دیگر.

۴ - حد زانی قبلا چه بوده است؟

از آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء چنین بر می آید که قبل از نزول حکم سوره نور درباره زناکاران و زنان بد کار اگر محصنه بوده اند مجازات آنها زندان ابد تعیین شده است (فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت) و در صورتی که غیر محصن بوده اند مجازات آنها ایذاء و آزار بوده است (فاذوهما). ولی مقدار این آزار معین نشده است، اما آیه مورد بحث آن را در یکصد تازیانه محدود و معین نموده، بنابراین حکم اعدام در مورد محصنه جایگزین زندان ابد، و حکم یکصد تازیانه حد و حدودی برای حکم آزار است (برای توضیح بیشتر به جلد سوم تفسیر نمونه صفحه ۳۰۶ به بعد ذیل آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء مراجعه فرمائید).

۵ - افراط و تفریط در اجرای حد ممنوع!

بدون شک مسائل انسانی و عاطفی ایجاب می کند که حداکثر کوشش

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۶

به عمل آید که هیچ فرد بیگناهی گرفتار کیفر نگردد، و نیز تا آنجا که احکام الهی اجازه عفو و گذشت را می دهد عفو و گذشت شود، ولی بعد از ثبوت جرم و مسلم شدن حد باید قاطعیت به خرج داد و از احساسات کاذب و عواطف دروغین که برای نظام جامعه زیانبخش است بپرهیزند. مخصوصا در آیه مورد بحث تعبیر به «فی دین الله» شده، یعنی هنگامی که حکم، حکم خدا است کسی نمی تواند بر خداوند رحمان و رحیم پیشی گیرد.

در اینجا از غلبه احساسات محبت آمیز نهی شده، زیرا اکثریت مردم دارای چنین حالتی هستند و احتمال غلبه احساسات محبت آمیز بر آنها بیشتر است، ولی نمی توان انکار کرد که اقلیتی وجود دارند که طرفدار خشونت بیشتری می باشند، این گروه نیز - همانگونه که سابقا اشاره کردیم - از مسیر حکم الهی منحرفند و باید احساسات خود را کنترل کنند، و بر خداوند پیشی نگیرند که آن نیز مجازات شدید دارد.

۶ - شرایط تحریم ازدواج با زانی و زانیه

گفتیم ظاهر آیات فوق تحریم ازدواج با زانی و زانیه است، البته این حکم در روایات اسلامی مقید به مردان و زنانی شده است که مشهور به این عمل

بوده و توبه نکرده‌اند، بنابراین اگر مشهور به این عمل نباشند، یا از اعمال گذشته خود کناره گیری کرده و تصمیم بر پاکی و عفت گرفته، و اثر توبه خود را نیز عملاً نشان داده‌اند، ازدواج با آنها شرعاً بی مانع است. اما در صورت دوم به این دلیل است که عنوان «زانی» و «زانیه» بر آنها صدق نمی‌کند، حالتی بوده است که زائل شده، ولی در صورت اول، این قید از روایات اسلامی استفاده شده و شاء نزول آیه نیز آن را تایید می‌کند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۷

در حدیث معتبری از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که فقیه معروف «زراره» از آن حضرت پرسید تفسیر آیه الزانی لا ینکح الا زانیه... چیست؟

امام فرمود: هن نساء مشهورات بالزنا و رجال مشهورون بالزنا، قد شهروا بالزنا و عرفوا به، و الناس اليوم بذلك المنزل، فمن اقيم علیه حد الزنا، او شهر بالزنا، لم ینبغ لا حد ان یناکحه حتی یعرف منه توبته:

«این آیه اشاره به زنان و مردانی است که مشهور به زنا بوده و به این عمل زشت شناخته شده بودند، و امروز نیز چنین است، کسی که حد زنا بر او اجرا شود یا مشهور به این عمل شنیع گردد سزاوار نیست احدی با او ازدواج کند، تا توبه او ظاهر و شناخته شود».

این مضمون در روایات دیگر نیز آمده است.

۷ - فلسفه تحریم زنا

فکر نمی‌کنیم عواقب شومی که به خاطر این عمل دامان فرد و جامعه را می‌گیرد بر کسی مخفی باشد ولی توضیح مختصری در این زمینه لازم است: پیدایش این عمل زشت و گسترش آن بدون شک نظام خانواده را در هم می‌ریزد.

رابطه فرزند و پدر را مبهم و تاریک می‌کند.

فرزندان فاقد هویت را که طبق تجربه تبدیل به جنایتکاران خطرناکی می‌شوند در جامعه زیاد می‌کند.

این عمل ننگین سبب انواع برخوردها و کشمکشها در میان هوسبازان است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۸

بعلاوه بیماریهای روانی و آمیزشی که از آثار شوم آن است بر کسی پنهان نیست.

کشتن فرزندان، سقط جنین و جنایاتی مانند آن از آثار شوم این عمل می باشد (شرح بیشتر در این زمینه را در جلد ۱۲ تفسیر نمونه ذیل آیه ۳۲ سوره اسراء مطالعه فرمائید).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۳۶۹

آیه ۴ - ۵

آیه و ترجمه

و الذین یرمون المحصنت ثم لم یاتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمنین جلدة و
لاتقبلوا لهم شهدة اءبدا و اءولئک هم الفسقون ۴
الا الذین تابوا من بعد ذلک و اءصلحوا فان الله غفور رحیم ۵

ترجمه :

۴ - و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می کنند سپس چهار شاهد (بر ادعای خود) نمی آورند آنها را هشتاد تازیانه بزنید، و شهادتشان را هرگز نپذیرید، و آنها فاسقانند.

۵ - مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند که خداوند غفور و رحیم است.

← بعد

↑ نفرت

→ قبل